

فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهش‌های ادبی- قرآنی»

سال دوم/ شماره سوم/ پائیز ۱۳۹۳

تأثیر قرآن و حدیث در دیوان مولانا حسن کاشی آملی

رحمان ذبیحی^۱، مهدی اکبرنژاد^۲ و یونس جلوداری^۳

چکیده

شاعران ایرانی از آغاز پیدایش زبان فارسی، کم و بیش به قرآن کریم و احادیث توجه داشته‌اند. این توجه در سده‌های هفتم و هشتم با گسترش معارف اسلامی و اندیشه‌های عارفانه به اوج خود می‌رسد. مولانا حسن کاشی، شاعر پارسی‌گوی شیعی سده‌ی ۷ - ۸ ه. ق به اقتضای تربیت خانوادگی، علاقه‌ی شخصی، ذهنیت مذهبی و سنت انعکاس معارف اسلامی در شعر پارسی با این منابع معرفتی آشنایی عمیق داشته و در اشعار خود به ویژه در قصاید به مناسبت‌های مختلف از آن‌ها بهره گرفته است. موضوع پژوهش حاضر بررسی تأثیر قرآن و حدیث در شعر اوست و پس از اشاره‌ای به احوال شاعر، به شیوه‌های مختلف استفاده‌ی وی از قرآن و حدیث از جمله تلمیح، تصویر، اقتباس، ترجمه، تأویل و تفسیر و حلّ پرداخته شده است. هم‌چنین ترکیباتی که شاعر در به کارگیری آن‌ها و امدار قرآن و حدیث است، بررسی شده؛ در نهایت اهداف شاعر از کاربرد قرآن و حدیث از جمله استشهاد و استناد، تشبیه و تمثیل، تعلیل و توجیه، برهان و استدلال، تبرک و تیمن، توصیف و بررسی گردیده است. این پژوهش بیانگر تأثیرپذیری گسترده‌ی شاعر از قرآن کریم و به میزان کمتر از احادیث است. شیوه‌ی غالب اثرپذیری او تصویری و بیشتر با هدف توصیف به ویژه توصیف و منقبت حضرت علی (ع) است.

واژگان کلیدی: حسن کاشی، دیوان اشعار، قرآن و حدیث، شیوه‌های تأثیرپذیری.

مقدمه

یکی از زمینه‌های مهم مطالعه در ادب گذشته‌ی فارسی، بررسی تأثیر قرآن و حدیث بر آثار ادبی است. قدیمی ترین آثار بر جای مانده به زبان فارسی متعلق به زمانی است که پیش از آن

** تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۳۰

^۱ نویسنده مسئول: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام email:r_zabih55@yahoo.com

^۲ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام

^۳ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

روزگار، جامعه‌ی ایران دین مبین اسلام را به تمام و کمال پذیرفته بود. طبیعی است که آیین جدید در شعر و آثار ذوقی فارسی زبانان تأثیر گذاشته باشد. توجه به قرآن و حدیث در آغاز شکل گیری ادب دری اندک است، اما با گذر روزگار روی در فزونی می‌نهد و اندک اندک گسترش می‌یابد. این توجه در سده‌های هفتم و هشتم با گسترش معارف اسلامی و اندیشه‌های عارفانه به اوج خود می‌رسد، به گونه‌ای که شاعران این ادوار مستقیم یا غیر مستقیم از قرآن و حدیث اثرها پذیرفته و فراخور استعداد و ظرفیت خویش از این دو سرچشمه‌ی حیات بخش مستفیض گشته‌اند. از جمله شاعران شیعی مذهب این قرن که اشعار خود را با الهام از معانی بلند قرآن و احادیث، به صور گوناگون و برای اهداف خاص بارور و مزین ساخته، مولانا حسن کاشی است. جلوه‌های قرآن و حدیث در دیوان او که به حق آیینی تمام نمای روحیات و افکار اوست، چشمگیر است. در واقع همین ویژگی ما را بر آن داشت تا به استخراج، دسته‌بندی و تحلیل موارد اثرپذیری او از قرآن و حدیث بپردازیم.

در خصوص تأثیر قرآن و حدیث بر زبان و ادب فارسی تاکنون پژوهش‌های مستقلی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به کتبی چون گزیده‌ای از تأثیر قرآن بر نظم فارسی، تضمین، ترصیع و تلمیح آیات قرآن کریم در اشعار فارسی، پیغمبران قرآن در قلمرو شاعران از سید عبدالحمید حیرت سجّادی، تأثیر قرآن و احادیث در شاهنامه فردوسی از حسن منتصب مجابی، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی از سید محمد راستگو، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی از علی اصغر حلبی، در قلمرو آفتاب (مقدمه‌ای بر تأثیر قرآن و حدیث در ادب پارسی) از علی محمد مؤدّنی، در دلو آفتاب (گفتاری در تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی) از حسن جعفری تبار اشاره کرد. همچنین در این زمینه مقالات متعددی نگاشته شده است از جمله «اهداف معنایی و انگیزشی در کاربرد قرآن و حدیث» از محمد رضا راشد محصل، «نقد رویکردهای مبتنی بر قرآن و حدیث در شعر نظامی» از محسن ذوالفقاری، «کلام پروردگار در غزلیات خداوندگار مولانا (نگرشی بر تجلی قرآن در غزلیات شمس)» از حسن حیدری و نظایر آن. تاکنون در خصوص تأثیر قرآن و حدیث در شعر حسن کاشی آملی پژوهشی صورت نگرفته است و تحقیق حاضر اولین پژوهش در این زمینه محسوب می‌شود. این مقاله بر آن است تا پس از معرفی مختصر شخصیت شاعر و بیان ارتباط قلبی عمیق وی با قرآن و حدیث، به تبیین شیوه‌های اثرپذیری او از آیات و احادیث، وام‌گیری از ترکیبات قرآنی و روایی و در نهایت به اهداف معنایی از کاربرد آیات و احادیث در دیوان او بپردازد. در ضمن این مباحث، میزان بهره

گیری شاعر از آیات و احادیث در سراسر دیوان به طور اعم و در ضمن قالبها به طور اخص و نیز بسامد تأثیرپذیری آشکار و پنهان از آیات و احادیث، با آمار و ارقام بیان شده؛ و در پایان مقاله به شکل نمودار ارائه گردیده است. روش تحقیق در پژوهش پیش رو، روش توصیفی - تحلیلی؛ و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است.

۱- شخصیت شاعر

مولانا حسن بن محمود کاشانی آملی، معروف به حسن کاشی^۱ از شاعران معروف سده‌ی هفتم و هشتم ه. ق است. بیشتر تذکره نویسان^۲ نام او را به همین نحو نوشته‌اند. خود او نیز در دیوان به نام خویش اشاره کرده است:

آن حسن نامم که اندر مدح داماد نبی می‌کند بر طبع پاکم روح حسان آفرین
(۱۳۹)^۳

لقب او در *مونس الاحرار* (جاجرمی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۳۶۰) «جمال‌الدین» و در *بهارستان سخن* (خوافی، ۱۹۵۸، ص ۳۳۵) و *هفت اقلیم* (رازی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۰۱۹) «کمال‌الدین» و در *خلاصه التواریخ* (حسینی قمی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۶۱۸) «تاج‌الدین» ذکر شده و چنان‌که از همه‌ی مآخذ بر می‌آید به «کاشی» اشتها داشته و از آن به عنوان تخلص و لقب شعری استفاده می‌کرده است:

ز اهتمام تو باشد که طبع کاشی مسکین همی فشانند از این گونه دُرهای معقد
(۸۱)

چو کاشی آنکه شناسد حیات خود زین شهید نظر کند سوی دنیا به چشم استخفاف
(۱۱۹)

جدّ و پدر مولانا حسن از کاشان بوده‌اند، لیکن مؤلّد و منشأ و مسکن او آمل طبرستان است (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳، بخش ۲، ص ۷۴۶). خود او نیز در دیوان در این باره اشاراتی دارد:

مولدش در آمل و آبشخورش مازندران وز ره جدّ و پدر نسبت به کاشان می‌رود
(۸۹)

هم‌چنین، ر. ک دیوان: (صص ۵۵، ۸۴، ۹۲، ۱۴۴، ۱۲۹-۱۴۵).

با توجه به قراین مختلف معلوم می‌شود که شاعر عمده‌ی عمر خود را در قرن هفتم و مدّت کوتاهی را در اوایل قرن هشتم سپری کرده و در این دوره معاصر سلطان محمد خدابنده

(۷۰۳-۷۱۶) بوده است (محمدزاده، ۱۳۷۹، ص ۸۶۱). از تاریخ وفات شاعر اطلاعی در دست نیست، چنان که دولت‌شاه سمرقندی نیز اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفته است: «وفات مولانا حسن معلوم نبوده که در چه تاریخ بوده [است]، والله اعلم. مدفن او در سلطانیته‌ی عراق است و در عهد سلطان محمد خدابنده بود» (سمرقندی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۷).

حسن کاشی تمام ذوق و هنر خود را وقف مناقب خاندان رسالت و امامت به ویژه امام علی (ع) کرده و از مدح این و آن پرهیز می‌کرده است (صفا، ۱۳۷۳، ج ۳، بخش ۲، ص ۷۴۶).^۴ از آثار منسوب به وی می‌توان به ۱. تاریخ محمدی (تاریخ دوازده امام به نظم) ۲. کتاب الانشاء که بر علم و ادب و شعر و حکمت مشتمل است و ۳. دیوان/شعار (مجموعه‌ای شناخته شده از مناقب و مدایح علی (ع) و ائمه‌ی اطهار (ع) که در انتساب آن به شاعر تردیدی نیست و مشتمل بر قصاید، ترکیب بندها، ترجیع بندها، مسمط، مخمس، مسدس، مرتع، غزلیات و رباعیات است) اشاره کرد (کاشی، ۱۳۸۸، مقدمه‌ی دیوان، صص ۴۱-۴۹).^۵

بخش عمده‌ای از دیوان حسن کاشی، به اقتضای موضوع تحت تأثیر معارف اسلامی به ویژه قرآن و حدیث است، به گونه‌ای که چنین مضامینی به شعر او رنگی دیگر بخشیده است. حسن عاطفی نیز در مقدمه‌ای که بر دیوان شاعر نوشته، این گفته را تأیید کرده و گفته است: «وی به شیوه‌ی مرسوم روزگار خود به فراگیری علوم ادبی و دینی روی آورد و قرآن را نیکو آموخت و بر اخبار و احادیث اشراف یافت و چون به شاعری روی آورد، با این اندوخته‌ی ذهنی بر غنای شعر خویش افزود و به اقتضای مطلب در سخنش از آیات قرآنی و احادیث بهره برد، به طوری که در برخی موارد درک کلامش موقوف به آگاهی خواننده از قرآن و حدیث است» (همان، ص ۳۰). بیشترین حجم دیوان او را قصاید تشکیل می‌دهد در مضامین توحید، نعت رسول اکرم (ص)، منقبت ائمه‌ی اطهار (ع)؛ طبیعی است که بیشترین استفاده‌ی وی از آیات و احادیث در ضمن این قالب باشد (۸۲/۵۹ درصد). بسامد بهره‌گیری وی از آیات و احادیث در سایر قالب‌های شعری بدین شرح است: ترکیب بند ۳/۴۴ درصد، ترجیع بند ۳/۲۳ درصد، مسمط ۵/۰۶ درصد، مخمس ۱/۸۲ درصد، مسدس ۳/۰۳ درصد، مرتع ۰/۶۰ درصد، غزل ۰/۲۳ درصد و در قالب رباعی از آیه و حدیث بهره‌ای نبرده است (ر.ک: نمودار شماره‌ی ۱).

الهام و اقتباس از معانی و محتویات آیات قرآنی و احادیث نبوی و روایات ائمه‌ی اطهار (ع) در اشعار حسن کاشی گاه آشکار و نمایان است؛ از این دیدگاه حدود ۷۲ درصد تأثیرپذیری‌های او از نوع اثرپذیری آشکار است (ر.ک: نمودار شماره‌ی ۲)،^۶ مانند بیت زیر در قالب قصیده و در

منقبت حضرت علی (ع) که در مصراع نخست آن به حدیث «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۱۳) و در مصراع دوم به آیهی «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً» (انسان(۷۶/۱)) با همان ساختار عربی اشاره کرده است:

اندر اخبار انت منی آیت توقیع اوست در کلام الله منشور کمالش هل اتی است (۶۰)

و گاه پنهان و پوشیده است (حدود ۲۸ درصد، ر.ک: نمودار شماره ۲)،^۷ مانند بیت زیر در قالب قصیده و در مدح امیرالمؤمنین علی (ع) که در آن از مضمون حدیث «رَدَّ الشَّمْسُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۰۱) بهره برده است:

تا نگردد فوت از آن ماه معانی یک نماز باختر را مطلع خورشید خاور کرده‌اند (۸۳)^۸

اشراف شاعر به مقولات قرآنی و حدیثی به گونه‌ای است که گاه در چند بیت متوالی از آیات قرآن کریم و احادیث بهره برده و به هنرنمایی نیز پرداخته است. مانند ابیات زیر در مدح حضرت علی (ع) که بیت نخست آن به آیهی مباحله (آل عمران(۳)/۶۱) و بیت دوم آن به آیهی تطهیر (احزاب(۳۳)/۳۳) اشاره دارد. در بیت سوم نیز شاعر متأثر از احادیث «سَلَوْنِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ص ۳۴۳) و «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۱۰) است:

در آیت مباحله نفس نبی علی است پس التجای فضل به غیری چرا برم؟
وآنکه چو خوانم آیت تطهیر و عصمتش گردد مسلمم چو ز قرآن گواه برم
در علمش از سلونی و اندر امامتش دعوی خویش را گواه [من] از لافتی برم (۱۲۹)

روی هم رفته حسن کاشی در ۹۹ جای مختلف از دیوان خود از آیات و احادیث به طور متوالی بهره برده است. از جمله ر.ک: قصیده (۵۵)، ۶۳-۶۴، ۷۹، ۸۵، ۹۳، ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۴۰-۱۴۱ و ۱۵۶)، ترکیب بند (۱۶۳ و ۱۶۷)، ترجیع بند (۱۷۳)، مسمط (۱۷۹، ۱۸۰ و ۱۸۱)، مسدس (۱۸۴) و مرتب (۱۸۶).

حسن کاشی به نسبت اشارات و مضامین قرآنی از احادیث بهره‌ی کمتری برده است، به گونه‌ای که نسبت اثرپذیری وی از آیات ۵۸درصد و از احادیث ۴۲درصد است (ر.ک: نمودار شماره ۳).

۲- انواع استفاده از قرآن و حدیث

شیوه‌های مختلف اثرپذیری شاعر از آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر (ص) و ائمه‌ی اطهار (ع) شامل تلمیح، تصویر، اقتباس، ترجمه، تأویل و حل است:

۲-۱. تلمیح

تلمیح یعنی «به گوشه‌ی چشم اشاره کردن؛ و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام، به داستان یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند» (همایی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۸)، ولی عین آن را نیآورده باشد (مؤذنی، ۱۳۷۵، ص ۳۰). میزان استفاده‌ی تلمیحی کاشی از آیات و احادیث، حدود ۳۲ درصد است (ر.ک: نمودار شماره‌ی ۴). وی در قالب قصیده بیشتر از سایر قالب‌ها از این شیوه بهره برده است.

به طور کلی او در شعر خویش به آیات و احادیث زیر توجه داشته است. آیاتی چون «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينَ مِّنَ الذَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً» (انسان/۷۶)، «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُوراً» (انسان/۷۶) و «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/۵):

ثنایش را بها آمد، به مدحش هل اتی آمد گواهِش انما آمد، به قرآن در یکی بنگر (۱۰۸)

آن که حق فرمود در حقش ز حشمت انما آن که مدحش گفت در قرآن خدا در هل اتی (۱۸۱)

و احادیثی چون «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ص ۳۴۳) و «لَوْ كَشِفَ الْغِطَاءُ مَا ارْذُدَّتْ يَقِيناً» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۲۰۹):

عالم علم سلونی تاجدار لوکشف باب شهرستان علم و پیشوای روز باس (۱۱۱)

عالم علم سلونی، شهسوار لوکشف ناصر حق، نفس پیغمبر، امام المتقین (۱۶۳)

و از همین مقوله است: آیاتی چون «كُنْ فَيَكُونُ» (بقره/۲) (۱۱۷/۲) (ص ۱۷۹ دیوان)، «أَفْتَرَبْتِ السَّاعَةَ وَ أَنْشَقَّ الْقَمَرَ» (قمر/۵۴) (۱/۷۸)، «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى...» (اعراف/۷) (۱۷۲/۷)

(ص ۱۱۵)، «لَعْمُرُكَ إِئْتَهُمْ لَفَى سَكْرَتِهِمْ يَعْصَمُهُونَ» (حجر (۱۵/۷۲) (ص ۱۳۷)، «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا» (انسان (۷۶/۸) (ص ۸۳) و آیه‌ی مباحله (آل عمران (۳/۶۱) (ص ۸۲) و احادیثی مانند «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۱۰) (ص ۱۸۴)، «رَدَّ الشَّمْسُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۰۱) (ص ۷۲)، «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۷۴) (ص ۸۹)، «لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ قَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا» (شریف الرضی، ۱۴۰۶، ص ۷۱) (ص ۷۰)، يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۶) (ص ۸۱)، «لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۵۲) (ص ۱۰۳) و «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۱۳) (ص ۱۱۸).

۲-۲. تصویر

گاه شاعر تصاویر شعری خود را از قرآن و حدیث به وام می‌گیرد. منظور از تصاویر شعری همان صورخیال (ایماز) است (راستگو، ۱۳۸۳، ص ۶۱). آن‌گونه که حافظ در بیت زیر، چشمان اشکبار خود را زیر بام قصر یار، به «جَنَاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ» (توبه (۹/۱۰۰) مانند کرده است: چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت شیوه‌ی جنات تجری تحتها الانهار داشت (حافظ، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷۵)

بیشترین استفاده‌ی حسن کاشی از آیات و احادیث به ویژه در قالب قصیده، از نوع اثرپذیری تصویری است (حدود ۴۷ درصد، ر.ک: نمودار شماره‌ی ۴). وی عمده‌ی تصاویر شعری خویش از جمله تشبیه (از جمله نک دیوان: صص ۸۰، ۸۶، ۹۷، ۱۴۱ و ۱۵۴) و انواع آن چون تشبیه اضافی (صص ۵۵، ۵۸، ۸۶، ۱۱۳ و ۱۴۳)، تشبیه مرکب (صص ۷۶، ۸۸، ۱۲۸، ۱۳۱ و ۱۳۴)، تشبیه مضمّر و تفضیل (صص ۶۷، ۱۳۵، ۱۳۸ و ۱۶۶)، انواع استعاره، مانند استعاره‌ی مصرّحه (صص ۵۴، ۶۸، ۱۶۳، ۱۷۲ و ۱۸۵) و استعاره‌ی مکنیه (صص ۹۰، ۱۳۱، ۱۴۰، ۱۵۶ و ۱۶۴)، مجاز (صص ۸۲، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۶۳ و ۱۷۹)، کنایه (صص ۱۰۹، ۱۳۱، ۱۵۴، ۱۷۱ و ۱۸۲) و ... را با توجه به واژگان و داستان‌های قرآنی و حدیثی آفریده است. بیشترین نمود این توجه نیز مربوط به تشبیه به ویژه اضافه‌ی تشبیهی و استعاره به خصوص استعاره‌ی مصرّحه است:

خلعت أنى أعلمش در بر

علم قلّ تعالوش بر دوش

(۱۰۴)

بیت در منقبت امیرالمؤمنین علی (ع) سروده شده که شاعر در مصراع نخست آیه‌ی «فَقُلْ تَعَالَوْا» (آل عمران ۶۱/۳) را به علم و آیه‌ی «إِنِّي أَعْلَمُ» (بقره ۳۰/۲) را به خلعت مانند کرده است. هم‌چنین در بیت زیر، تشبیه حدیث «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۲۰) به تاج:

مقصد تنزیل بَلِّغْ در غدیر خم که بود؟ تاج مَنْ كُنْتُ آن زمان بر فرق جز حیدر که داشت؟
(۱۷۳)

بیت زیر نیز در مدح حضرت علی (ع) سروده شده که در آن، واژگان «انما» (انسان ۷۶/۹) و «هل اتی» (انسان ۱/۷۶) به طور صریح به وجود مبارک علی (ع) اشاره دارند:

تو قدر انما کمتر شناسی که رویت بر وفای هل اتی نیست
(۶۹)

۲-۳. اقتباس

استفاده‌ی شاعر از آیات و احادیث گاه از نوع اقتباس است (حدود ۶ درصد، ر.ک: نمودار شماره‌ی ۴). وی بیشتر در قالب قصیده متأثر از این شیوه بوده است. در این شیوه، گوینده بخشی از آیه یا حدیث را بی‌هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری در شعر یا نثر خود می‌آورد (جعفری تبار، ۱۳۸۸، ص ۳۷). چنان‌که کاشی در بیت:

شد به مصر تخت دولت باز چون یوسف عزیز لا یُضِيعُ اللهُ فِي الدَّارِینِ أَجْرَ الْمُحْسِنِینِ
(۱۳۸)

آیه‌ی «فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف ۹۰/۱۲) را با اندکی دگرگونی اقتباس کرده است. یا در بیت زیر که حدیث «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۱۱۰) را با اندکی دگرگونی، زیور سخن خویش ساخته است:

صورتی گردد مجسم، فتح گوید آشکار لا فتی إِلَّا علی لا سِيفِ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ
(۱۶۴)

برای مشاهده‌ی موارد بیشتر، ر.ک: (۵۶، ۷۶، ۸۶، ۱۰۹، ۱۳۶، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۶۷، ۱۷۵ و ۱۸۲).

۲-۴. ترجمه

یکی از شیوه‌های تأثیرپذیری شاعران از قرآن و حدیث، ترجمه است. «اگر برگردان فارسی آیه یا حدیث را در متن بیاورند، صنعت ترجمه به کار رفته است. در ترجمه باید عین عبارت عربی را به فارسی ترجمه کنند» (جعفری تبار، ۱۳۸۸، ص ۴۴). حسن کاشی نیز کم و بیش در استفاده از قرآن و حدیث از شیوه‌ی ترجمه بهره گرفته است (حدود ۵ درصد، ر.ک: نمودار شماره‌ی ۴). وی بیشتر در قالب قصیده، این شیوه را به کار برده است. به عنوان نمونه بیت زیر که مصرع دوم آن ترجمه‌ی آیه‌ی «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ» (قصص (۲۸/۸۸) است:

هستی و بودی و باشی و نماند هیچ کس ذات تو باقیست، باقی جمله در عین فناست
(۶۱)

یا بیت زیر که مصرع اول آن ترجمه‌ی حدیث «أَنْفَعُ السَّهَامِ دَعْوَةُ الْمَظْلُومِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۳) است:

تیر دعای خسته دلان کارگر بود یا از خدای ترس، بترس، از خدا مکن
(۱۹۴)

ترجمه‌های کاشی بر دو نوع است: ترجمه‌ی بسته و ترجمه‌ی باز که میزان استفاده‌ی وی از ترجمه‌ی بسته بیش از ترجمه‌ی باز است. ترجمه‌ی بسته آن است که برگردان فارسی هم در معنی و مضمون و هم در ساختار بیانی با اصل عربی برابری و همخوانی داشته باشد (راستگو، ۱۳۸۳، صص ۳۸-۳۹). شاهد مثال‌های پیشین همه از این نوع است و نیز ر.ک: (۶۶، ۷۲، ۷۸، ۸۹، ۹۳، ۱۰۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۴۲، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۲، ۱۷۹، ۱۸۰ و ۱۸۴). حسن کاشی در سراسر دیوان به ویژه در قصیده در ۴۷ بیت از ترجمه‌ی بسته استفاده کرده است. اما ترجمه‌ی باز عکس ترجمه‌ی بسته است، بدین معنی که هم در معنی و مضمون و هم در ساختار بیانی ترجمه کم و بیشی و دگرگونی‌هایی راه می‌یابد (همان، ص ۳۹).

ترجمه‌ی باز در شعر کاشی حضور چشمگیری ندارد. او تنها در ۵ بیت از این نوع ترجمه استفاده کرده است. ابیات زیر ترجمه‌ی آزادی از آیه‌ی «وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا» (انسان (۷۶/۲۱) است:

از کف ساقی وحدت باده‌ای خوردم که بود تشنه‌ی آب حیات از جرعه‌ی حمرای من
مجلسی دور از کدورت، باده‌ای دور از خمار در کف ساقی جان افزای غم فرسای من

۹(۱۴۲)

وی در بخش پایانی همین قصیده، بیتی دارد که ترجمه‌ی آزادی از آیات «وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ» و «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا...» (شعراء) (۲۴/۲۲۴ و ۲۲۷) است:

شاعران را گرچه غاوی خوانده در قرآن خدای هست از ایشان هم به قرآن ظاهر استثنای من

(۱۴۵)

۲-۵. تأویل

حسن کاشی چنان‌که از متن اشعار وی بر می‌آید گهگاه به شیوه‌ی تأویلی از آیات و احادیث اثر پذیرفته است (حدود ۹ درصد، ر.ک: نمودار شماره‌ی ۴). او بیشتر در قالب قصیده از این شیوه استفاده کرده است. در این شیوه، «شاعر تأویل آیه یا حدیثی را دست مایه‌ی سروده‌ی خویش می‌سازد، یعنی با ذوق ورزی و نکته‌یابی، و با پنهان‌پژوهی و موی شکافی از لایه‌های برونی و دریافت‌های همگانی و پیام‌های پیدای سخن در می‌گذرد، و به لایه‌های درونی آن راه می‌یابد و پیام‌هایی پنهانی باز می‌آورد، و به این گونه، از آیه و حدیث، طرح و تفسیری نو، و پیک و پیغامی دیگر رهاورد خواننده می‌سازد» (راستگو، ۱۳۸۳، ص ۵۵). ابیات زیر در مدح امیرالمؤمنین علی (ع)، نمونه‌ای است که شاعر حکایت «مور و سلیمان» را نخست گزارش و سپس تأویل کرده است:

<p>ران ملخ به هدیه و نامی گرفت ازین هدیه به بارگاه سلیمان راستین نامی که کس نشد به سعادات او قرین پرورده‌ی شهر و برآورده‌ی سین در جنب کبریای تو زان هدیه‌ی مهین افزون‌تر از تصوّر انبیای ماء و طین با خاطر شکسته و با سینه‌ی حزین از بهر آنکه صورت آن حال بُد همین (۱۴۰-۱۴۱)</p>	<p>گویند مور پیش سلیمان به عید برد ای آنکه تیغ تیز تو از ران عمرو برد آنکه گرفت از لب صاحب قران شرع شاه! حدیث مور و سلیمان حکایتی است من گرچه کم از مور نیم صورت سخن تو بیش از هزار سلیمان و ملک تو آن مور بی‌نوای مترنم به زیر لب اکنون منم چو مور و سلیمان جناب شاه</p>
--	---

در ابیات زیر هم شاعر در قالب تأویل، حضرت زهرا (س) را سرّ آیه‌ی «إِنِّي أُغْلَمُ» (بقره ۳۰/۲) و نیز معنی آیه‌ی «كُنْ» (یس ۸۲/۳۶) دانسته است:

معنی‌ای کز لفظ آنی اعلم آمد در ظهور سرّ آن را صورت زهرای ازهر کرده‌اند
صورت معنی عصمت، معنی تضمین کُن آنکه حوران را به زیورهایش زیور کرده‌اند
(۸۲)

برای مشاهده‌ی موارد بیشتر، ر.ک: (۵۷، ۶۰، ۶۲، ۶۳-۶۴، ۶۴-۶۵، ۶۸، ۸۳، ۱۰۱، ۱۱۴، ۱۳۲، ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۷۳، ۱۸۰-۱۸۱، ۱۸۴ و ۱۸۹).

۲-۶. حَلّ

«حَلّ» در تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی، آن است که گوینده آیه یا حدیثی را در شعر و نثر خود بیاورد بدان شرط که عبارت آن را از وزن یا صورت اصلیش به طور کامل یا ناقص خارج سازد (حلبی، ۱۳۷۲، ص ۵۳). کمترین استفاده‌ی شاعر از آیات قرآن و احادیث از نوع حل است (حدود ۱ درصد، ر.ک: نمودار شماره‌ی ۴). وی بیشتر در قالب قصیده از این شیوه استفاده کرده است. مانند مصراع دوم بیت زیر که گزارشی دگرگون از گزاره‌ی قرآنی «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى» (نجم ۵۳/۱۴) است:

نهاد او پای بر کتف محمد گذشت از منتهای سدره بر هم

(۱۳۲)

یا مصراع دوم بیت زیر که دگرگون شده‌ی حدیث «يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْفَارُوقُ الْأَعْظَمُ وَأَنْتَ الصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶ و طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۵۲) است:

حیدر کدام حیدر آن کاو رسول گفت صدیق اعظم آمد و فاروق اکبر است

(۷۱)

برای مشاهده‌ی موارد بیشتر، ر.ک: (۶۲، ۷۰، ۸۷، ۹۸، ۱۱۵، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱ و ۱۸۶).
گفتنی است که این شیوه‌ها ناسازگار و به اصطلاح «مانعة الجمع» نیستند، و چه بسا پاره‌ای از آن‌ها را می‌توان با یکدیگر در یک نمونه جمع کرد. شاعر در سراسر دیوان به ویژه در قصیده، در ۱۹۳ بیت، آیات و احادیث را به چند شیوه‌ی اثرپذیری به کار برده که از این میان بیشتر آن‌ها تلمیحی - تصویری است. مانند بیت زیر در مدح امیرالمؤمنین علی (ع) که افزون بر اثرپذیری تلمیحی (تلمیح به حدیث «يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي» (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۶) در مصراع اول و اشاره به آیه‌ی «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَا جُوجَ وَ مَأْجُوجَ»

مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا» (کهف/۱۸) (۹۴/۱۸) در مصراع دوم، اثرپذیری تصویری (تشبیه اضافی فتنه به یا جوج و تشبیه مضر خنجر به سد) نیز دارد:

وصیّ احمد مرسل، امام خلق دو عالم که گشت بر ره یا جوج فتنه خنجر او سد

(۸۱)

هم چنین بیت زیر در مدح حضرت علی (ع) که شاعر در آن به دو شیوه‌ی تلمیح (سلونی و لو کشف: اشاره به احادیث «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي» (شریف الرضی، ۱۳۷۹، ص ۳۴۳) و «لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا ازْدَدْتُ يَقِينًا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۲۰۹) و ترجمه (باب شهرستان علم: ترجمه‌ی حدیث «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۷۴) از احادیث سود جسته است:

عالم علم سلونی تاجدار لو کشف باب شهرستان علم و پیشوای روز باس

(۱۱۱)

یا بیت زیر که هم به داستان قرآنی حضرت یوسف (ع) اشاره دارد و هم شاعر برای خلق تصاویر و مضامین زیبا، «خود» را به «یوسف» و «غم» را به طور اضافی به «چاه» تشبیه کرده است:

چون نجات از دیگران جستم بماندم لاجرم همچو یوسف در میان چاه غم سبع سنین

(۱۳۹)

و نیز ر.ک: قصیده (۵۴، ۵۵، ۵۸، ۶۸، ۷۹، ۸۳، ۹۰، ۱۰۳، ۱۱۲، ۱۲۴، ۱۳۸، ۱۴۴ و ۱۵۶)، ترکیب بند (۱۶۳ و ۱۶۴)، ترجیع بند (۱۷۱، ۱۷۲ و ۱۷۳)، مسمط (۱۷۹ و ۱۸۰-۱۸۱)، مسدس (۱۸۵) و غزل (۱۹۴).

۳- ترکیبات قرآنی و روایی

حسن کاشی علاوه بر آن که از آیات و احادیث به شیوه‌های مختلف در دیوان خود استفاده کرده، گاه از ترکیبات بسیاری نیز بهره برده است که در به کارگیری آن‌ها وامدار قرآن و حدیث است. این بخش خود قابل تقسیم به موارد زیر است:

۱- ترکیباتی که در پیوند با اسامی و القاب خاص قرآنی - روایی ساخته شده مانند رفعت آدم و طینت آدم (۶۳)، فطرت آدم (۹۹)، دامن آدم (۱۵۵)، نسل آدم (۱۶۳)، خاک و جسم آدم

(۱۸۱)، توبه‌ی آدم (۱۸۴)، طوفان نوح (۶۲)، نوحِ نجی (۶۳)، کشتی نوح (۹۱)، عمرِ نوح (۱۰۹)، عصای موسی (۶۲)، فرعونِ کفر و کفِ موسیِ عمران (۱۵۱)، موسای کلیم الله (۱۵۶)، موسی دریا شکاف و عیسی گردون نشین (۱۶۳)، طور نور موسی (۱۸۶)، عیسی نَفَس (۶۰)، دم مسیح (۶۴)، نَفَس عیسوی (۹۰)، عیسی دم (۱۳۴)، مریم عصمت (۶۳)، نور احمدِ مرسل (۶۶)، دینِ محمد (۹۸)، جمالِ مصطفی (۱۰۸)، خُلُقِ نبی (۱۲۰)، معراجِ مصطفی (۱۴۰)، نورِ مصطفی (۱۴۸)، احمد مرسل (۱۸۰)، حدیث رسول (۱۸۴)، یحیی زهدات و پیغمبر خصال (۱۲۲)، دیده‌ی یعقوب (۸۶)، قصه‌ی یعقوب و رنج یوسف مصر (۱۱۲)، جان و دل غمدیده‌ی یعقوب (۱۱۳)، بوی یوسف (۶۴)، یوسف انور (۱۰۷)، یوسفِ صاحب جمال (۱۲۴)، حسنِ یوسف (۱۳۵)، یوسفِ چاهی (۱۵۵)، چشمِ زلیخا (۸۰)، اشکِ زلیخا (۱۴۵)، ماهیِ یونس و بحرِ یونس (۱۴۴)، تختِ سلیمان (۱۱۸)، سلیمانِ شهنشاهی (۱۳۲)، جانِ اسماعیل (۶۴)، نغمه‌ی داود (۶۴)، آبِ حیاتِ خضر (۶۴)، حکمتِ لقمان (۱۰۸)، سیاستِ نمرود (۶۴)، گنجِ قارون (۱۱۲)، سحرِ سامری (۱۲۳)، نور علی (۹۳)، بازویِ حیدر (۱۳۱)، ولایِ مرتضی (۱۷۳)، مهرِ علی (۱۷۴)، حبّ علی و آل بتول و شفاعتِ رسول (۱۹۴)، حسین تشنه لب (۱۵۰)، فقر و فاقه‌ی بودر (۱۱۰)، تعظیمِ سلمان (۱۶۷)، نفخه‌ی روح القدس (۱۴۴)، تسویلات شیطان (۱۵۰)، نفسِ شیطان (۱۸۶) و ...:

از باد خُلُقش نغمه‌ای، در لحنِ داوود آمده وز آب لطفش جرعه‌ای، در جامِ عیسی ریخته
از ملک جایش گوشه‌ای، ملک سلیمان یافته وز فیض نورش پرتوی، بر طور موسی ریخته
(۱۴۷)^{۱۰}

در ره فقر، مصطفی سیرت وز ره منزلت، سلیمان فر
گنجِ قارون و سطوتِ دوزخ ملک فردوس و فاقه‌ی بودر
(۱۰۴)

۲- ترکیبات عربی چون خیرالعمل (۵۵)، خشنیه الله (۵۶)، تحت ثری (۵۸)، اولیاء الله (۶۰)، خیرالنسا (۶۳)، مقبض الارواح (۷۷)، استغفرالله (۸۸)، الله اکبر (۹۶)، حمد الله (۱۰۸)، بسئ المآب و نعم المآل (۱۲۲)، عروة الوثقی (۱۲۳)، تعالی الله (۱۳۱)، معاذ الله (۱۳۵)، الطاف حق و یدِ بیضا و بیت معمور (۱۴۴)، علم الیقین (۱۵۰)، بضاعت مزجاة (۱۵۴)، ربّ العالمین (۱۶۳)، قُرَّة العین (۱۶۳)، یا امیرالمؤمنین (۱۶۶)، قولِ نبی (۱۷۲)، نور الهی (۱۸۱)، یا رب (۱۸۲)، یا شفیع المذنبین (۱۸۳) و ...:

مقصود وجود دو جهان حیدر صفدر ای جای رفیعت ز بر سبع طرایق

(۱۱۹)

ترکیب عربی «سبع طرایق» برگرفته از آیهی «وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَ مَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ» (مؤمنون ۱۷/۲۳) است.

۳- ترکیبات فارسی نظیر در ره یزدان (۶۲)، خدای جهان (۶۹)، رضای خدا (۷۳)، روز رستخیز (۷۴)، نفس بد (۸۱)، دو دریا (۸۳)، هشت بهشت (۹۷)، سپاس خداوند (۱۰۰)، بهشت جاودان (۱۱۰)، هفت آسمان (۱۱۶)، دو جهان (۱۱۹)، نزدیک خدا (۱۳۸)، سایه‌ی خدا (۱۳۹)، چشم بد (۱۵۱)، بنده‌ی پروردگار (۱۵۸)، در جهان (۱۶۳)، دست نقاش ازل (=خدا) (۱۶۴)، آتش دوزخ (۱۷۳)، راه خدا (۱۸۱)، روز جزا (۱۸۳)، روشنی دیده (۱۹۳) و ...:

در آفتاب حادثه بگداخت پیکرم ای سایه‌ی خدای فکن سایه بر سرم

(۱۷۰)

ترکیب فارسی «سایه‌ی خدا» اشاره به «ظِلُّ اللَّهِ» است که در حدیث «فَإِنَّ أَسْطُفَانَ ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۳۱۷) آمده است.

۴- ترکیبات دیگری چون حجت خدا (۵۴)، خداوند عرش (۶۲)، خدای اکبر (۶۴)، بنده‌ی مؤمن (۶۴)، خلق خدا (۶۵)، شکر خدا (۶۶)، صنع کردگار (۸۹)، سرای غفور (۱۰۰)، حمد خدا (۱۰۸)، ای مسلمانان (۱۱۰)، قول خدا (۱۱۸)، خدای عزّ و جلّ (۱۲۷)، آفرینش عالم (۱۲۷)، راه حق (۱۳۳)، نور عین (۱۳۵)، لعنت ایزد (۱۳۸)، اطباق آسمان (۱۴۰)، روز احسان (۱۴۵)، روز محشر (۱۴۹)، دفتر اعمال (۱۵۲)، هشت خلد (۱۶۳)، دو عالم (۱۷۵)، روز حساب (۱۸۳)، آتش جهنّم (۱۸۹) و ... که معمولاً یک واژه‌ی آن فارسی و یک واژه‌ی آن عربی است:

ز اقتران آن دو دریای منظم شد پدید این معانی گوهری زان اصل مستعلای من

(۱۴۳)

ترکیب عربی-فارسی «اقتران آن دو دریا» اشاره به «مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ» است که در آیه‌ی «وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا» (کهف ۶۰/۱۸) آمده است.

نحوه‌ی کاربرد آیات و استفاده از روایات بسته به نوع هدف تفاوت می‌کند؛ چنان‌که در علم معانی «گاهی مقصود از خبر، افاده‌ی حکم و افاده‌ی لازم حکم است و گاهی هم متکلم در صد اخبار و اعلام نیست یعنی مقصودش از القاء خبر نه افاده‌ی حکم است نه لازم حکم بلکه جمله-ی خبریه را برای اغراض دیگری هم چون استرحام (طلب رحم و شفقت)، اظهار ضعف و بیچارگی، حسرت و حزن، فرح و شادی، تشویق و ترغیب و ... به کار می‌برد» (رجائی، ۱۳۵۹، صص ۲۷-۲۹). شاعران و نویسندگان از به کارگیری آیات و احادیث اهدافی دارند، زیرا که «هدف تنها اخبار و آگاهی نیست بلکه بیان صفت و خصلتی، یا دستور دادن به کاری و باز داشتن از چیزی، همراه با اثبات مطلبی است، و آیه‌ها و حدیث‌ها، جنبه‌ی استشهادی، تأکیدی و تأییدی دارد» (راشد محصل، ۱۳۷۲، ص ۱۰۶۶).

حسن کاشی نیز برای اغراض و مقاصد خاصی چون استشهاد و استناد (حدود ۸ درصد، ر.ک: ۶۲، ۱۲۹، ۱۵۰، ۱۶۳ و ۱۸۳)، تشبیه و تمثیل (حدود ۱۰ درصد، ر.ک: ۸۳، ۱۳۲، ۱۵۱، ۱۷۲ و ۱۸۵)، تعلیل و توجیه (حدود ۱۱ درصد، ر.ک: ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۸۰-۱۸۱، ۱۸۴ و ۱۸۹)، نکته-پردازی (حدود ۳ درصد، ر.ک: ۶۸، ۷۸، ۱۳۵، ۱۴۲ و ۱۶۶)، تحریض (حدود ۲ درصد، ر.ک: ۷۴، ۹۲، ۱۱۳، ۱۷۱ و ۱۷۲)، تبرک و تیمن (حدود ۳ درصد، ر.ک: ۷۱، ۸۰، ۹۲، ۱۴۱ و ۱۷۴)، تبیین و توضیح (حدود ۴ درصد، ر.ک: ۶۶، ۸۲، ۱۳۶، ۱۴۰-۱۴۱ و ۱۵۰)، امیدبخشی (حدود ۵ درصد، ر.ک: ۶۷، ۱۵۲، ۱۶۷، ۱۷۳ و ۱۸۶)، هنرنمایی (حدود ۶ درصد، ر.ک: ۸۶، ۱۴۷، ۱۶۳، ۱۷۴ و ۱۸۲)، برهان و استدلال (حدود ۵ درصد، ر.ک: ۷۶، ۹۱، ۱۰۱، ۱۴۰ و ۱۸۰)، تحذیر (حدود ۱ درصد، ر.ک: ۷۹، ۸۱، ۱۱۸ و ۱۳۲)، تزیین و تجمیل (حدود ۱ درصد، ر.ک: ۷۶، ۱۳۳، ۱۴۹، ۱۵۳ و ۱۶۴)، استشهاد از طریق مقایسه یا بیان تفضیل (حدود ۷ درصد، ر.ک: ۸۳، ۱۴۵، ۱۶۷، ۱۸۲ و ۱۸۵)، تهدید (حدود ۵ درصد، ر.ک: ۵۷، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۷۲ و ۱۸۹)، تأیید و تأکید (حدود ۲ درصد، ر.ک: ۶۶، ۶۸، ۱۰۹ و ۱۸۱) از آیات و احادیث بهره گرفته که بهره‌گیری او بیشتر با هدف توصیف (حدود ۲۷ درصد) است (ر.ک: نمودار شماره ۵).

شاعر در دیوان موضوعات و مسائل گوناگونی را توصیف کرده که در بیان آن‌ها متأثر از آیات و احادیث است. از جمله وصف و مدح باری تعالی (ر.ک: ۶۱، ۸۰، ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۷۹ و ۱۸۰)، نعت رسول اکرم (ص) (۷۸، ۹۳، ۱۱۶، ۱۳۷، ۱۸۰ و ۱۸۱)، وصف شب معراج (۵۴، ۷۸، ۱۳۷، ۱۴۰ و ۱۵۳)، وصف سدره (۱۴۲)، وصف امت پیامبر (ص) و پیروان علی (ع) (۱۵۳)، منقبت چهارده معصوم (ع) (۱۳۸)، مدح حضرت زهرا (س) (۸۲)، منقبت حضرت علی (ع) از جنبه‌ی تبلیغی و

اعتقادی (مرتبه‌ی یقین حضرت (۵۵)، کمال و فضل ایشان (۶۰ و ۱۳۶)، وصف بازوی او (۶۲)، قدر و مقام والای وی (۶۷ و ۷۰) و علم و جود و بخشنده‌گی وی (۷۰ و ۱۳۶)، منقبت حضرت علی (ع) از جنبه‌ی حماسی (۷۲، ۷۷، ۷۹، ۹۶، ۹۷، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۵۲ و ۱۷۳)، وصف شهادت علی (ع) (۱۴۸)، وصف ذوالفقار (۱۵۳ و ۱۷۲)، منقبت امام حسین (ع) (۷۴)، وصف رثای سید الشهداء (ع) (۷۴، ۷۵، ۱۳۰، ۱۵۰ و ۱۵۴)، وصف وقایع کربلا (۱۵۴)، منقبت امام کاظم (ع) (۵۶ و ۱۳۷)، امام رضا (ع) (۵۸، ۵۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲ و ۱۳۰)، امام تقی (ع) (۵۷)، وصف اوضاع بد زمانه (۷۱)، وصف حال خویش (۱۴۸)، وصف اغراق آمیز شاعر از خود و رأی و فکر و معانی خویش (۱۴۱ و ۱۴۲)، وصف بهار و نسیم خوشبوی آن (۶۰)، باد صبا (۹۰)، وصف طلوع خورشید و برآمدن صبح (۵۳، ۸۰ و ۱۸۳) و وصف معشوق (۱۴۶).

بیت زیر نمونه‌ای است که شاعر در وصف شأن و منزلت حضرت علی (ع) سروده و در آن متأثر از آیه‌ی قرآنی «الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران/۱۷/۳) است:

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ، وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ بالقول و المستغفرين، حق گفته در شأن شما
(۵۶)

یا ابیات زیر که شاعر به زیبایی صحنه‌ی طلوع خورشید را با بهره‌گیری از اسامی خاص قرآنی البته به زبان استعاری، به تصویر کشیده است:

آن یوسف مُلک و مَلک، سوی سما شد از سمک وز حسن رویش از فلک، اشک زلیخا ریخته
خضر است آن خضرا مکان، گشته به عیسی همعنان وز سبز خوان آسمان، درهای بیضا ریخته
(۱۴۵)

اهداف و مقاصد کاربرد قرآن و حدیث نیز هم‌چون شیوه‌های گوناگون اثرپذیری، ناسازگار و به اصطلاح «مانعة الجمع» نیستند و می‌توان پاره‌ای از آن‌ها را در یک نمونه یافت. کاشی در سراسر دیوان، در ۶۸ بیت، آیات و احادیث را برای چند هدف مختلف به کار برده که از این میان بیشتر آن‌ها «توصیفی - استشهادی استنادی و تزیینی تجمیلی» است. ابیات زیر در وصف و منقبت امیرالمؤمنین علی (ع)، نمونه‌هایی است که شاعر در آن به حدیث «لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَ لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۸، ص ۱۱۰) / استشهاد و استناد جسته، ضمن این که شاعر با آوردن حدیث به شعر خویش نیز زینت و جمال بخشیده است:

لا فتی آلا علی لا سیف آلا ذوالفقار
از ثنای کردگارت مدح در شان یافته
(۱۴۹)

جبرئیلش گفت هنگام وغا در کارزار
لا فتی آلا علی لا سیف آلا ذوالفقار
(۱۸۲)

برای مشاهده‌ی شواهد بیشتر، ر.ک: (۵۴، ۷۲، ۸۹، ۱۲۳، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۶-۱۵۷، ۱۶۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۳-۱۸۴ و ۱۸۴-۱۸۵).

نتیجه‌گیری

حاصل کلام این‌که حسن کاشی شاعر برجسته‌ی سده‌ی هفتم و هشتم ه. ق مطابق عقاید دینی و مذهبی و به سائقه‌ی میل و علاقه‌ی شخصی، در دیوان اشعار تحت تأثیر آیات و احادیث بوده است و بخش مهمی از ماندگاری شعر وی محصول این امر است. انس بسیاری از مخاطبان و همدلی عاطفی آن‌ها با شعر او از رهگذر استفاده‌ی چشمگیر شاعر از آیات و احادیث محقق شده است. از دیدگاهی دیگر شاعر با استفاده از آیات و احادیث خلاقیت هنری خود را متجلی کرده است و هر گونه تحلیل در باب شعر او بدون شناخت تأثیر آیات و احادیث که از منابع مهمّ اندیشه و هنر شاعر به شمار می‌روند ناتمام خواهد بود. تأثیر قرآن و حدیث را در جای جای دیوان وی می‌توان دید، اما این امر در قصاید او حضوری پررنگ‌تر دارد. توجه شاعر بیشتر معطوف به آیات قرآن کریم است؛ به گونه‌ای که حدود ۵۸ درصد کلّ اثرپذیری‌های او از این مقوله است و در مقابل در حدود ۴۲ درصد موارد متأثر از احادیث است. از دیدگاهی دیگر اثرپذیری او از آیات و احادیث بیشتر از نوع آشکار و نمایان است (حدود ۷۲ درصد) تا پنهان و پوشیده. شاعر در بهره‌گیری از آیات و احادیث از بیشتر شیوه‌های اثرپذیری مانند تصویر، تلمیح، اقتباس، ترجمه، تأویل و حل استفاده کرده است، اما بیشترین میزان استفاده‌ی شاعر از نوع اثرپذیری تصویری است (حدود ۴۷ درصد). شاعر در دیوان، ترکیبات بسیاری را به کار برده که در به کارگیری آن‌ها وامدار قرآن و حدیث است. او از کاربرد آیات و احادیث اهداف متعددی از جمله توصیف به ویژه توصیف و منقبت حضرت علی (ع) را دنبال کرده است (حدود ۲۷ درصد).

پی‌نوشت‌ها

۱- صاحبان تذکره، از کاشی آملی به عنوان احسن المتکلمین یاد کرده‌اند (مدرّس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۵، ص ۳۲) و از جهت اعتبار خاص برخی عنوان «مولانا» را شایسته‌ی او دانسته‌اند (صبا، ۱۳۴۳، ص ۲۰۸).

۲- از جمله‌ی این مآخذ می‌توان به تذکره الشعراء (سمرقندی، ۱۳۸۲، ص ۲۹۶)، هفت اقلیم (رازی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۰۱۹)، مجالس المؤمنین (شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۲۶)، تذکره‌ی روز روشن (صبا، ۱۳۴۳، ص ۲۰۸) و ریاض العلماء و حیاض الفضلاء (افندی اصفهانی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۴۸) اشاره کرد.

۳- ابیات شاهد مثال برگرفته شده از دیوان حسن کاشی به کوشش سیّد عبّاس رستاخیز و با مقدمه‌ی حسن عاطفی است و ارجاع آن بر اساس شماره‌ی صفحه یا صفحات دیوان می‌باشد. ارجاع آیات قرآنی نیز به صورت (نام سوره (شماره‌ی سوره))// شماره‌ی آیه یا آیات) آمده است.

۴- ابیات زیر مؤید این معناست:

منم که یرلغ طبعم به دار ملک بقا	نوشته‌اند به مذاحی محمّد و آل
درون مدت سی سال کس ندارد یاد	که بوده‌ام به سخن پیش کس مدیح سگال
مخدرات سراپرده‌ی ضمیر مرا	به مهر آل نبی بسته‌اند عقد وصال
به روضه‌ی دل کاشی ثنائشان خواند	هر آن شکوفه که سر بر زند ز شاخ نهال...
به شهد مدح کسی گر زبان گشایم، باد	زبان ناطقه‌ام در گه شهادت لال...
اگرچه مال ندارم، یقین آن دارم	که دین خود نفروشم به دنیی از پی مال

(۱۲۸)

۵- برای آگاهی از منابع قدیمتر شناخت حسن کاشی بنگرید به: (کاتب، ۱۳۵۷، ص ۷۴).

۶- برای مشاهده‌ی شواهد بیشتر، ر.ک: (۵۴، ۵۵، ۶۲، ۶۸، ۷۱، ۸۸، ۹۳، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۶۳، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۴ و ۱۸۶).

۷- برای مشاهده‌ی شواهد بیشتر، ر.ک: (۵۵، ۵۹، ۶۱، ۶۶، ۷۰، ۷۸، ۸۰، ۸۷، ۹۱، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۲۲، ۱۳۰، ۱۴۲، ۱۵۸، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۸۴ و ۱۹۴).

۸- کاشی در سرودن این قصیده به قصیده‌ی سنایی با مطلع زیر نظر داشته است:

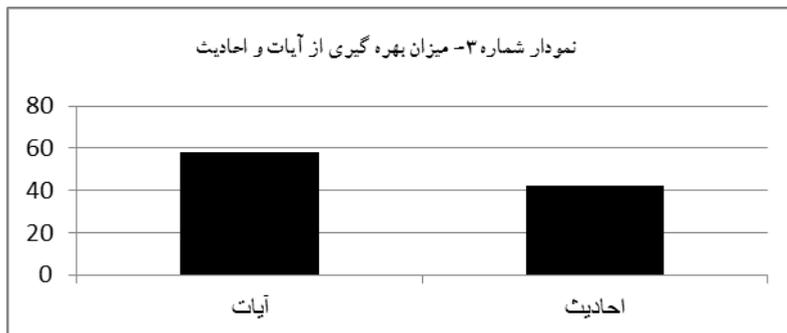
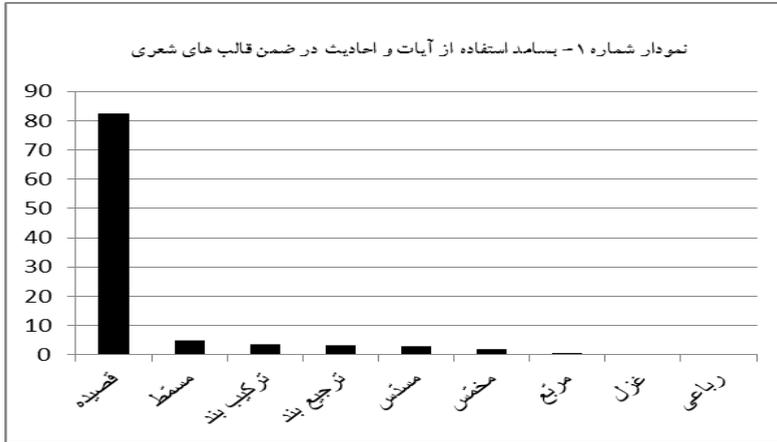
ای مسلمانان خلاق حال دیگر کرده‌اند / از سر بی حرمتی معروف منکر کرده‌اند

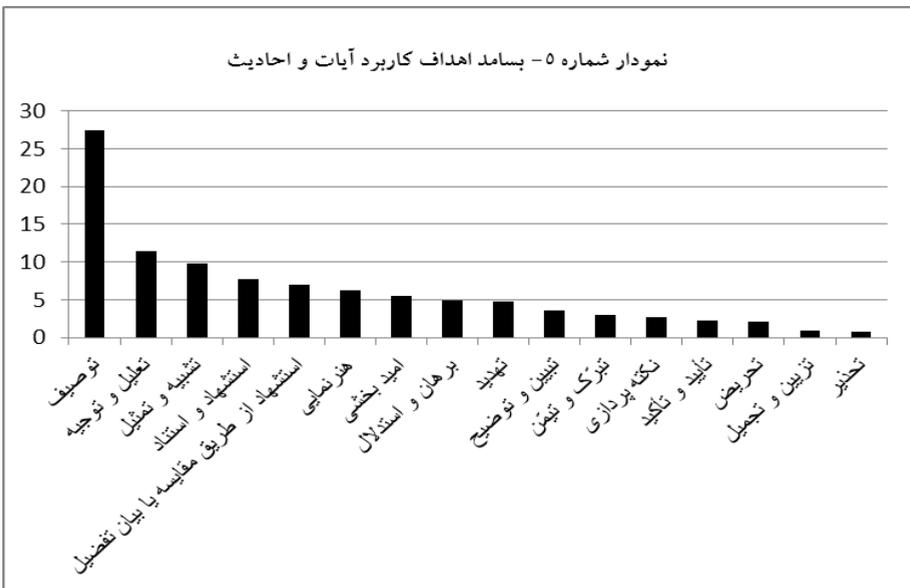
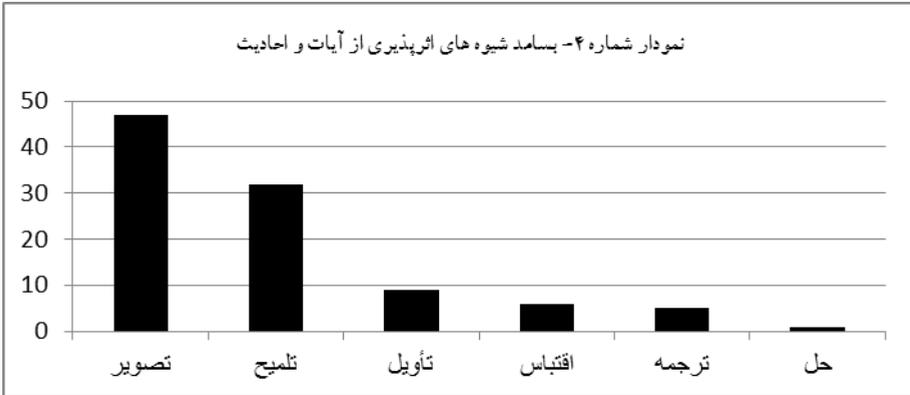
(سنایی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۹)

۹- شاعر در سرودن این قصیده متأثر از قصیده‌ی خاقانی به مطلع زیر است:
صبحدم چون کله بندد آه دود آسای من چون شفق در خون نشیند چشم شب پیمای من
(خاقانی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۰)

۱۰- شاعر این قصیده را به استقبال قصیده‌ی خاقانی با مطلع زیر سروده است:
در کام صبح از ناف شب مشک است عمدا ریخته زرین هزاران نرگسه بر سقف مینا ریخته
(همان، ص ۳۷۷)

نمودارها





منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶)، *الأمالی (للصدوق)*، تهران، کتابچی.
- ۳- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، (۱۳۶۶)، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، به اهتمام محمد باقر ساعدی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ۴- -----، (۱۳۶۷)، *ترجمه‌ی من لا یحضره الفقیه*، ترجمه و تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، صدوق.
- ۵- -----، (۱۳۷۸ ق)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
- ۶- -----، (۱۳۶۲)، *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ۷- -----، (۱۳۷۹)، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
- ۸- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات.
- ۹- جاجرمی، محمد بن بدر، (۱۳۵۰)، *مونس الأحرار فی دقائق الأشعار*، به اهتمام میر صالح طبیبی، تهران، انجمن آثار ملی.
- ۱۰- جعفری تبار، حسن، (۱۳۸۸)، *در دلو آفتاب (گفتاری در تأثیر قرآن و حدیث بر ادب فارسی)*، تهران، دادگستر.
- ۱۱- حافظ، خواجه شمس الدین محمد، (۱۳۶۲)، *دیوان*، به تصحیح و توضیح پرویز ناتل خانلری، تهران، خوارزمی.
- ۱۲- حسینی قمی، قاضی احمد بن حسین، (۱۳۸۳)، *خلاصه التواریخ*، به تصحیح احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۳- حلبی، علی اصغر، (۱۳۷۲)، *تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی*، تهران، اساطیر.
- ۱۴- خاقانی، افضل الدین بدیل، (۱۳۷۴)، *دیوان*، تصحیح ضیاء الدین سجادی، تهران، زوار.
- ۱۵- خوافی، عبدالرزاق ملقب به صمصام الدوله، (۱۹۵۸م)، *بهارستان سخن*، چاپ هند.

- ۱۶- رازی، امین احمد، (۱۳۷۸)، **تذکره‌ی هفت اقلیم**، با تصحیح، تعلیقات و حواشی سید محمد رضا طاهری، تهران، سروش.
- ۱۷- راستگو، سید محمد، (۱۳۸۳)، **تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی**، تهران، سمت.
- ۱۸- راشد محصل، محمد رضا، (۱۳۷۲)، «اهداف معنایی و انگیزشی در کاربرد قرآن و حدیث»، **مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد**، سال بیست و ششم، شماره‌ی سوم و چهارم، صص ۱۰۶۳-۱۰۸۴.
- ۱۹- رجائی، محمد خلیل، (۱۳۵۹)، **معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع**، شیراز، دانشگاه شیراز.
- ۲۰- سمرقندی، دولت‌شاه، (۱۳۸۲)، **تذکره‌الشعراء**، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، تهران، اساطیر.
- ۲۱- سنایی، ابوالمجد محدود بن آدم، (۱۳۷۵)، **دیوان**، به اهتمام پرویز بابایی، تهران، نگاه.
- ۲۲- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۰۶ ق)، **خصائص الأئمة علیهم السلام** (خصائص أمير المؤمنين عليه السلام)، تصحیح محمد هادی امینی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۲۳- شوشتری، قاضی نورالله، (۱۳۷۶ ق)، **مجالس المؤمنین**، تهران، اسلامیه.
- ۲۴- صبا، محمد مظفر حسین، (۱۳۴۳)، **تذکره‌ی روز روشن**، تصحیح و تحشیه محمد حسین رکن‌زاده آدمیت، تهران، کتابخانه رازی.
- ۲۵- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۳)، **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران، فردوس.
- ۲۶- طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۸۵ ق)، **مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار**، نجف، المكتبة الحیدریة.
- ۲۷- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، **الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی)**، تصحیح محمد باقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی.
- ۲۸- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، **الأمالی (للطوسی)**، تصحیح مؤسسه البعثة، قم، دار الثقافة.
- ۲۹- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ ق)، **الوافی**، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام.

- ۳۰- کاتب، احمد بن حسین بن علی، (۱۳۵۷)، تاریخ جدید یزد، به اهتمام ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- ۳۱- کاشی، کمال الدین حسن بن محمود، (۱۳۸۸)، دیوان، به کوشش سید عباس رستاخیز، با مقدمه‌ی حسن عاطفی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۳۲- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- ۳۳- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، تصحیح جمعی از محققان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ۳۴- محمدزاده، سید عباس، (۱۳۷۹)، «مولانا حسن کاشی آملی، شاعر پارسی‌گوی شیعی سده‌ی هفتم»، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳۳، شماره‌ی ۳ و ۴، صص ۸۵۷-۸۷۴.
- ۳۵- مدرس تبریزی، علامه محمد علی، (۱۳۶۹)، ریحانة الادب، تهران، کتابفروشی خیام.
- ۳۶- مؤذنی، علی محمد، (۱۳۷۵)، در قلمرو آفتاب (مقدمه‌ای بر تأثیر قرآن و حدیث در ادب پارسی)، تهران، قدیانی.
- ۳۷- همایی، جلال‌الدین، (۱۳۷۷)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، هما.

